

توانمندسازی مهاجران و جوامع میزبان: راهبردی برای ادغام پایدار و کنش متقابل اجتماعی

امین ابراهیمی دهکردی^{۱*}، فاطمه آقاپور^۲

^۱استادیار گروه شهرسازی دانشگاه مازیار، رویان، مازندران، ایران.

^۲کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، مدرس دانشگاه مازیار، رویان، مازندران، ایران.

چکیده

مهاجرت به عنوان یک پدیده اجتناب‌ناپذیر در جهان معاصر، چالش‌های متعددی را برای مهاجران و جوامع میزبان به وجود آورده است. مهاجران غالباً با مسائلی چون حاشیه‌نشینی، تبعیض، شکاف فرهنگی و محدودیت در دسترسی به منابع مواجه هستند، در حالی که جوامع میزبان نیز با فشار بر زیرساخت‌ها، تنش‌های اجتماعی و چالش‌های هویتی روبرو می‌شوند. این مقاله با تمرکز بر راهبرد توانمندسازی به عنوان محوری‌ترین رویکرد برای مواجهه با این چالش‌ها، به بررسی ابعاد مختلف توانمندسازی مهاجران و جوامع میزبان و نقش آن در تقویت ادغام و کنش متقابل اجتماعی می‌پردازد. مقاله حاضر با استفاده از روش تحقیق کیفی و با اتکا به مبانی نظری غنی از جمله نظریه سرمایه اجتماعی پوتنام، نظریه کنش ارتباطی هابرماس، و چارچوب توانمندسازی اسکاچپول، ابعاد سه‌گانه توانمندسازی را تحلیل می‌کند. در بعد فردی، توانمندسازی به تقویت خودکارآمدی، عزت نفس و مهارت‌های فردی مهاجران توجه دارد. در بعد اجتماعی، بر ایجاد سرمایه اجتماعی پل‌زننده و تقویت شبکه‌های ارتباطی بین مهاجران و جامعه میزبان تأکید می‌شود. در بعد اقتصادی نیز، دسترسی به فرصت‌های شغلی، منابع مالی و بازار کار مورد توجه قرار می‌گیرد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که توانمندسازی یک فرآیند دوسویه است که هم مهاجران و هم جامعه میزبان را در بر می‌گیرد. از یک سو، توانمندسازی مهاجران موجب افزایش مشارکت آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود و از سوی دیگر، توانمندسازی جامعه میزبان به ایجاد فضای پذیرش و درک متقابل منجر می‌گردد. این فرآیند دوطرفه، بستر لازم برای ادغام موفق و کنش متقابل اجتماعی را فراهم می‌آورد. در نتیجه، توانمندسازی نه تنها به بهبود شرایط زندگی مهاجران می‌انجامد، بلکه موجب تقویت تاب‌آوری اجتماعی، انسجام جامعه و ایجاد فضای تعاملی سازنده بین همه اعضای جامعه می‌شود. این مقاله با ارائه راهکارهای عملی در سطوح خرد، میانی و کلان، الگویی برای سیاست‌گذاری در زمینه مدیریت مهاجرت و تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی جامعه، مهاجران، جوامع میزبان، ادغام اجتماعی، کنش متقابل، تاب‌آوری اجتماعی.

مقدمه

جهان معاصر شاهد تحولات گسترده‌ای در حوزه مهاجرت‌های بین‌المللی بوده است که این پدیده را به یکی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع امروزی تبدیل کرده است. بر اساس گزارش سازمان ملل متحد (۲۰۲۰)، تعداد مهاجران بین‌المللی به بیش از ۲۸۰ میلیون نفر رسیده که این رقم نشان‌دهنده افزایش ۱۲۰ میلیونی نسبت به آغاز قرن بیست‌ویکم است. این جریان‌های مهاجرتی، همزمان با ایجاد فرصت‌های متعدد، چالش‌های پیچیده‌ای را برای مهاجران و جوامع میزبان به وجود آورده است (International Migration Report, 2020). مهاجران غالباً با مسائل متعددی از جمله حاشیه‌نشینی اجتماعی، تبعیض ساختاری، شکاف فرهنگی و محدودیت در دسترسی به منابع اقتصادی و خدمات اجتماعی مواجه می‌شوند. از سوی دیگر، جوامع میزبان نیز با چالش‌هایی چون فشار بر زیرساخت‌های عمومی، تنش‌های بین‌فرهنگی و دغدغه‌های مربوط به حفظ هویت جمعی روبرو هستند (Ager & Strang, 2020). این شرایط پیچیده، ضرورت اتخاذ راهبردهای نوین و مؤثر برای مدیریت پدیده مهاجرت را بیش از پیش آشکار ساخته است. در این میان، توانمندسازی به عنوان پارادایمی جامع و چندبعدی، ظرفیت قابل توجهی برای تبدیل این چالش‌ها به فرصت‌های توسعه‌ای دارد (Fiddian Qasmiyeh & Daley, 2023). توانمندسازی در چارچوب این مقاله، فرآیندی پویا و چندسطحی تعریف می‌شود که هم مهاجران و هم جامعه میزبان را در بر می‌گیرد و هدف نهایی آن تقویت ظرفیت‌های فردی و جمعی برای دستیابی به ادغام پایدار و کنش متقابل اجتماعی است (Hainmueller, et al, 2023).

۲- ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۱-۲- پناهندگان و پناهجویان

بر اساس گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR, 2023)، پناهندگان افرادی هستند که به دلیل ترس موجه از آزار و اذیت بر اساس نژاد، مذهب، ملیت، عقیده یا عضویت در گروه اجتماعی خاص، از کشور خود گریخته‌اند. این گروه اغلب با چالش‌های روانی-اجتماعی پیچیده‌ای روبرو هستند (OECD, 2023).

۲-۲- انواع مهاجران و ادغام در جوامع میزبان

مهاجران را می‌توان بر اساس عوامل مختلفی از جمله داوطلبانه یا اجباری بودن مهاجرت، وضعیت قانونی، و دلایل مهاجرت (اقتصادی، سیاسی، آموزشی، خانوادگی) به دسته‌های متفاوتی تقسیم کرد که هرکدام الگوها و چالش‌های ادغام متمایزی را تجربه می‌کنند (حاجی‌پور و صفاری، ۱۴۰۲).

مهاجران اقتصادی داوطلب عموماً به دنبال ادغام ساختاری سریع‌تر در بازار کار و اقتصاد جامعه میزبان هستند، در حالی که پناهندگان و پناهجویان که به اجبار ترک وطن کرده‌اند، اغلب با موانع روانی-اجتماعی عمیق‌تر و نیاز فوری به امنیت و حمایت‌های پایه روبرویند و فرآیند ادغام برای آنها ممکن است طولانی‌تر و پیچیده‌تر باشد (Cheung & Phillimore, 2021).

جدول شماره ۱. انواع مهاجرت و مهاجران بر اساس وضعیت حقوقی

مفهوم	گونه	گستره معنایی
	پناهندگان	پناهجویان بین‌المللی
مهاجران	مهاجران اقتصادی	جستجوگران کار و معیشت
	مهاجران تحصیلی	دانشجویان و پژوهشگران
	زیست‌محیطی	آوارگان تغییرات آب‌وهوایی
	مهاجرت اجباری	ناشی از جنگ و بحران

مهاجرت	مهاجرت داوطلبانه	برای بهبود کیفیت زندگی
	مهاجرت فصلی	کارگران موقت
	مهاجرت بازگشتی	بازگشت به کشور مبدأ

منبع: (UNHCR, 2024) و (سازمان ملل متحد، ۲۰۲۲)

مهاجران با مهارت بالا معمولاً به دلیل تخصص مورد نیاز، مسیر هموارتری برای ادغام اقتصادی و حقوقی در پیش دارند، اما مهاجران با مهارت پایین اغلب در معرض آسیب‌پذیری بیشتر و حاشیه‌نشینی اقتصادی قرار می‌گیرند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۱). موفقیت فرآیند ادغام برای هر یک از این گروه‌ها نه تنها به ویژگی‌های فردی و سرمایه اولیه آنها، بلکه به شدت به سیاست‌های جامعه میزبان نیز بستگی دارد؛ سیاست‌هایی که می‌توانند بین همگون‌سازی (انتظار جذب کامل در فرهنگ مسلط)، ادغام چندفرهنگی (تشویق به حفظ هویت در کنار مشارکت در جامعه گسترده‌تر) یا جداسازی در نوسان باشند (Cheung & Phillimore, 2021). در نهایت، ادغام موفقیت‌آمیز، که نتیجه‌ای دوسویه از تلاش مهاجر و باز بودن نهادهای جامعه میزبان است، به ایجاد جامعه‌ای منسجم، تاب‌آور و غنی شده از تنوع منجر می‌شود (Kanas, & Steinmetz, 2022).

۲-۳- توانمندسازی^۱ مهاجران در سطوح فردی، اجتماعی و اقتصادی

توانمندسازی به عنوان یک فرآیند چندبعدی، در سه سطح فردی، اجتماعی و اقتصادی قابل تعریف است. در سطح فردی، توانمندسازی به افزایش حس خودکارآمدی، استقلال و قدرت تصمیم‌گیری افراد از طریق کسب مهارت‌ها، دانش و اعتماد به نفس اشاره دارد (کردزاعری و چابکی، ۱۴۰۲). در سطح اجتماعی، این مفهوم به معنای ظرفیت‌سازی برای مشارکت فعال در جامعه، تقویت شبکه‌های اجتماعی و توسعه سرمایه اجتماعی از طریق نهادهای مدنی و جمعی است (پاتنام، ۲۰۰۰). در بعد اقتصادی، توانمندسازی دستیابی به منابع اقتصادی، فرصت‌های شغلی پایدار و دسترسی به خدمات مالی را در بر می‌گیرد (سن، ۱۹۹۹). این سه بعد در تعامل با یکدیگر، بستری برای ادغام موفقیت‌آمیز مهاجران و تقویت تاب‌آوری جامعه فراهم می‌کنند (Kanas, & Steinmetz, 2022).

۲-۴- ادغام^۲ مهاجران در مقابل همگون‌سازی^۳

ادغام یک فرآیند دوسویه و پویاست که در آن مهاجران و جامعه میزبان در یک تعامل فعال مشارکت می‌کنند؛ به گونه‌ای که مهاجران در عین حفظ و تبادل عناصر هویت فرهنگی خویش، به تدریج در نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه میزبان مشارکت می‌جویند و جامعه میزبان نیز با ایجاد فضای دربرگیرنده و اصلاح ساختارهای خود، زمینه این مشارکت را فراهم می‌سازد (کردزاعری و چابکی، ۱۴۰۲). در مقابل، همگون‌سازی یک فرآیند یک‌سویه و خطی است که انتظار دارد مهاجران هویت فرهنگی متمایز خود را کاملاً رها کرده و جذب فرهنگ مسلط جامعه میزبان شوند، بی‌آنکه تغییری در هنجارها و نهادهای جامعه مقصد ایجاد شود (زنجانی و دیگران، ۱۴۰۱)؛ بنابراین، در حالی که ادغام به "جامعه‌ای مشترک با تنوع فرهنگی" می‌انجامد، همگون‌سازی در نهایت به "ذوب شدن در یک بوته واحد" منجر می‌شود (Putnam, R. D, 2000). بر اساس گزارش‌های سازمان ملل متحد و پژوهش‌های داخلی، می‌توان مهاجرت و ادغام را به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

¹ Empowerment

² Integration

³ Assimilation

جدول شماره ۲. الگوهای ادغام مهاجران در جوامع میزبان

شرح	الگوهای ادغام مهاجران	
مشارکت در بازار کار دسترسی به مسکن برخورداری از خدمات بهداشتی	ادغام ساختاری	۱
یادگیری زبان جامعه میزبان آشنایی با هنجارهای اجتماعی تشکیل شبکه‌های اجتماعی مختلط	ادغام فرهنگی-اجتماعی	۲
تعلق خاطر چندلایه حفظ هویت قومی در کنار هویت ملی	ادغام هویتی	۳

منبع: (زنجانی، ۱۴۰۱)، (سعیدی، ۱۴۰۰)، (پوراحمد، ۱۳۹۹)

۲-۵- تاب‌آوری اجتماعی^۴ مهاجران و نقش آن در جوامع چندفرهنگی

تاب‌آوری اجتماعی (Social Resilience) به ظرفیت یک جامعه یا سیستم اجتماعی برای پیش‌بینی، تحمل، تطبیق و بازایی از شرایط بحرانی و شوک‌های مختلف (مانند بلایای طبیعی، تنش‌های قومی یا بحران‌های اقتصادی) اشاره دارد، به‌گونه‌ای که بتواند ساختارها، هویت و عملکردهای اصلی خود را حفظ کند و حتی از این تجربیات برای یادگیری و تقویت خود بهره‌برد (Berkes, F., & Ross, H, 2013). در جوامع چندفرهنگی، این تاب‌آوری مستلزم وجود سرمایه اجتماعی قوی، شبکه‌های اعتماد بین گروهی، نهادهای inclusive ویژه و توانایی مدیریت تعارض از طریق دیالوگ است. در چنین جوامعی، تنوع فرهنگی- در صورت مدیریت صحیح- به یک دارایی کلیدی تبدیل می‌شود؛ چرا که شبکه‌های اجتماعی متراکم‌تر، مهارت‌های تطبیقی متنوع‌تر و خلاقیت ناشی از تقابل ایده‌های مختلف، ظرفیت جمعی جامعه را برای مقابله با بحران‌ها به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد (احمدی و همکاران، ۱۴۰۱)؛ بنابراین، تاب‌آوری در یک جامعه چندفرهنگی نه بر یکدستی، بلکه بر انسجام در عین تنوع استوار است (Alba, R., & Nee, V, 2003).

۲-۶- دیالکتیک مفاهیم اجتماعی: توانمندسازی، ادغام و تاب‌آوری :

این سه مفهوم- توانمندسازی، ادغام و تاب‌آوری اجتماعی- در یک رابطه سلسله‌مراتبی و تقویت‌کننده متقابل با یکدیگر قرار دارند (سعیدی و شاه حسینی، ۱۴۰۰). توانمندسازی مهاجران (در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روانی) پایه و پیش‌نیاز ضروری برای ادغام واقعی به شمار می‌رود، چرا که تنها افراد و گروه‌هایی که از منابع، مهارت‌ها و اعتماد به نفس کافی برخوردار باشند، می‌توانند به صورت دوسویه و فعالانه در عرصه‌های مختلف جامعه میزبان مشارکت جویند (پوراحمد و رضایی، ۱۴۰۰). به دنبال آن، یک فرآیند ادغام موفق که منجر به ایجاد شبکه‌های اجتماعی پل‌زننده، سرمایه اجتماعی قوی و حس تعلق مشترک شود، به طور مستقیم تاب‌آوری اجتماعی کل جامعه را تقویت می‌کند (راستی و سجاسی، ۱۳۹۹). در حقیقت، جامعه‌ای که از طریق ادغام موفق، به جای انشقاق، به انسجام داخلی دست یافته باشد، ظرفیت بسیار بیشتری برای جذب، تطبیق و عبور از شوک‌های مختلف- از بحران‌های اقتصادی تا تنش‌های اجتماعی- دارا خواهد بود؛ بنابراین، توانمندسازی را می‌توان بذر ضروری کاشته‌شده برای درخت ادغام دانست که ثمره نهایی آن، میوه تاب‌آوری برای کل جامعه است (طاهری و کریمی، ۱۴۰۲).

⁴ Social Resilience

۲-۶-۱- نظریه سرمایه اجتماعی پوتنام

تمایز بین «سرمایه اجتماعی پیونددهنده» (درون گروه) و «سرمایه اجتماعی پلزننده» (بین گروه‌ها). توانمندسازی باید منجر به تقویت سرمایه اجتماعی پلزننده بین مهاجران و جامعه میزبان شود (قاسمی و علی پور، ۱۴۰۳). پاتنام استدلال می‌کند که جامعه‌ای سالم است که تعادل و توازن بین این دو نوع سرمایه اجتماعی داشته باشد. در زمینه مهاجرت، سرمایه اجتماعی پیونددهنده به حفظ هویت و حمایت درون گروهی مهاجران کمک می‌کند، در حالی که شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پلزننده، عامل کلیدی برای ادغام موفق، کاهش شکاف‌های اجتماعی و در نهایت، ایجاد تاب‌آوری در کل جامعه است (Keck, M., & Sakdapolrak, P, 2013).

جدول شماره ۳. نظریه سرمایه اجتماعی

این نوع، پیوندهای درون گروهی همگن و قوی است (مانند پیوندهای خانوادگی، قومی، یا مذهبی). این سرمایه مانند "سپر اجتماعی" عمل می‌کند و در مواقع بحران از اعضای گروه حمایت عاطفی و مادی می‌کند.	سرمایه اجتماعی پیونددهنده ^۵	
این نوع، به پیوندهای ضعیف‌تر و افقی بین گروه‌های اجتماعی متفاوت اشاره دارد (مانند ارتباط بین انجمن‌های مهاجران و نهادهای جامعه میزبان). این سرمایه مانند "پل اجتماعی" عمل می‌کند، اطلاعات جدید را گردش می‌دهد، فرصت‌ها را گسترش می‌دهد و انسجام کلان اجتماعی را تقویت می‌کند.	سرمایه اجتماعی پلزننده ^۶	نظریه سرمایه اجتماعی پوتنام

منبع: (Putnam, R. D, 2000)

۲-۶-۲- نظریه تاب‌آوری اجتماعی

تاب‌آوری به معنای ظرفیت یک سیستم اجتماعی (جامعه) برای جذب اختلال و بازسازی خود پس از یک تغییر، است. یک جامعه با مهاجران توانمندشده، از تاب‌آوری بالاتری برخوردار است (Rappaport, J, 1984). تاب‌آوری اجتماعی صرفاً به معنای بازگشت به وضعیت پیشین نیست، بلکه بر سازگاری فعال و رشد در شرایط جدید تأکید دارد (Ager, A., & Strang, A, 2008). در جوامع چندفرهنگی، این نظریه نشان می‌دهد که تنوع فرهنگی می‌تواند به عنوان دارایی برای تقویت ظرفیت جمعی عمل کند، به شرطی که شبکه‌های اعتماد و نهادهای فراگیر وجود داشته باشند (عبداله‌زاده و میرزایی، ۱۴۰۱).

جدول شماره ۴. گویه‌های تاب‌آوری

هدف	گویه	نظریه
توانایی جذب و تحمل اختلالات	مقاومت	
ظرفیت یادگیری و سازماندهی مجدد	تطبیق	نظریه تاب‌آوری اجتماعی ^۷
قابلیت ایجاد سیستم‌های جدید در صورت نیاز	تحول	

منبع: (Adger, 2000. Berkes & Ross, 2013)

^۵ Bonding Social Capital^۶ Bridging Social Capital^۷ Social Resilience Theory

۲-۶-۳- نظریه شبکه‌ها

تحلیل شبکه‌های اجتماعی مهاجران و چگونگی اتصال آنان به شبکه‌های تاثیرگذار جامعه میزبان برای دستیابی به منابع و فرصت‌ها (نوروزی و یوسفی، ۱۴۰۱). نظریه شبکه‌های اجتماعی به مطالعه ساختار روابط بین بازیگران اجتماعی (افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها) می‌پردازد و تأثیر این الگوهای ارتباطی بر رفتار، باورها و دسترسی به منابع را تحلیل می‌کند. مبانی کلیدی این نظریه عبارت‌اند از:

جدول شماره ۵. تحلیل شبکه‌های اجتماعی مهاجران

گره‌ها: واحدهای تشکیل‌دهنده شبکه (افراد، سازمان‌ها) پیوندها: ارتباطات بین گره‌ها که می‌تواند ضعیف یا قوی باشد سرمایه اجتماعی: منابع قابل دسترسی از طریق شبکه‌های اجتماعی	مفاهیم محوری
پیوندهای ضعیف (گرانویت، ۱۹۷۳): ارتباطات گاه به گاه اغلب اطلاعات و فرصت‌های جدیدی ارائه می‌دهند؛ ساختار حفره‌های ساختاری (برت، ۱۹۹۲): شکاف‌های شبکه که فرصتی برای واسطه‌گری ایجاد می‌کنند؛ مرکزیت و نفوذ: موقعیت‌های ساختاری که بر جریان اطلاعات تأثیر می‌گذارند.	بینش‌های کلیدی

منبع: (Kanas, & Steinmetz, 2022)

۲-۶-۴- نظریه ادغام^۸

مدل‌های مختلف ادغام (مانند مدل "ادغام چندفرهنگی" کانادا در مقابل مدل "همگون‌سازی" فرانسه). مقاله شما می‌تواند از مدل ادغام چندفرهنگی که بر حفظ هویت در عین مشارکت کامل تأکید دارد، دفاع کند (Solomon, B, 1976). نظریه ادغام به فرآیندهای چندبعدی اشاره دارد که از طریق آن مهاجران در جامعه میزبان گنجانده می‌شوند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۱) این نظریه بر چند مدل اصلی تأکید دارد:

جدول شماره ۶. مدل‌های کلیدی ادغام

ادغام چندبعدی	ادغام در مقابل همگون‌سازی	ادغام ساختاری
بعد اقتصادی (اشتغال، درآمد)	ادغام: فرآیند دوسویه با حفظ هویت فرهنگی	ورود به نهادهای اصلی جامعه میزبان
بعد اجتماعی (شبکه‌های اجتماعی)	همگون‌سازی: جذب کامل در فرهنگ مسلط	کاهش اهمیت تفاوت‌های قومی- فرهنگی
بعد فرهنگی (آموزش زبان، پذیرش هنجارها)		
بعد سیاسی (مشارکت مدنی)		

منبع: (پنینکس، ۲۰۱۹)، (آلبا و نی، ۲۰۰۳)، (گوردون، ۱۹۶۴) و (Penninx, R., 2019)

⁸ Integration Theory

۲-۶-۵- چارچوب توانمندسازی (جودیت اسکاچپول و دیگران)

توانمندسازی در سطوح خرد (فردی)، میانی (اجتماع محلی) و کلان (سیاست‌های ملی) تعریف می‌شود (Vertovec, 2020). اگرچه جودیت اسکاچپول بیشتر با نظریه "بازگشت به دولت" در علوم سیاسی شناخته می‌شود، چارچوب توانمندسازی در حوزه سیاست اجتماعی عمدتاً توسط محققانی مانند باربارا سولومون (۱۹۷۶) و جولیان راپپورت (۱۹۸۴) توسعه یافته است.

جدول شماره ۷. ابعاد کلیدی توانمندسازی

سطح خرد (فردی)	سطح میانی (اجتماعی)	سطح کلان (سیاستی)
افزایش حس خودکارآمدی و کنترل شخصی	توسعه سرمایه اجتماعی و شبکه‌های حمایتی	دسترسی به منابع و فرصت‌های نهادی
توسعه مهارت‌های فردی و ظرفیت‌های روانی	تقویت نهادهای جامعه مدنی و سازمان‌های محلی	مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری
تقویت عزت نفس و استقلال عمل	ایجاد ظرفیت برای عمل جمعی	تغییر ساختارهای ناعادلانه

منبع: (Kanas, & Steinmetz, 2022)

۲-۶-۶- نظریه کنش ارتباطی یورگن هابرماس

اهمیت "حوزه عمومی" و "دیالوگ" بدون سلطه برای رسیدن به تفاهم متقابل و حل تعارضات در جامعه چندفرهنگی (احمدی و همکاران، ۱۴۰۱). نظریه کنش ارتباطی هابرماس (۱۹۸۱) یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌ها در فلسفه اجتماعی معاصر است که بر نقش زبان و ارتباطات در شکل‌گیری جامعه مدرن تأکید دارد.

جدول شماره ۸. مفاهیم محوری نظریه کنش ارتباطی هابرماس

کنش ارتباطی در مقابل کنش ابزاری	جهان زیست و نظام	عقلانیت ارتباطی
کنش ارتباطی: هدف آن دستیابی به تفاهم متقابل از طریق گفتگو	جهان زیست: حوزه زندگی روزمره، فرهنگ و هنجارهای اجتماعی	عقلانیتی که از طریق گفتگوی آزاد و بدون اجبار حاصل می‌شود
کنش ابزاری: هدف آن دستیابی به موفقیت و کنترل بر محیط	نظام: ساختارهای بوروکراتیک و اقتصادی جامعه	مبتنی بر استدلال بهتر و نه زور یا قدرت

منبع: (Cheung & Phillimore, 2021)

۲-۷- ارتباط یکپارچه ابعاد توانمندسازی با ادغام و تاب‌آوری

توانمندسازی به عنوان یک فرآیند چندبعدی، سنگ بنای ادغام موفق و تاب‌آوری اجتماعی است. در بعد فردی (زیمرم، ۱۹۹۵)، توانمندسازی با تقویت خودکارآمدی و عزت نفس مهاجران، پایه روانی لازم برای ورود به فرآیند ادغام را فراهم می‌کند. این ظرفیت‌های فردی در بعد اجتماعی (پاتنام، ۲۰۰۰) از طریق تشکیل سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اعتماد پل‌زننده متبلور می‌شود که هسته اصلی یک ادغام دوسویه و پایدار را تشکیل می‌دهد. همزمان، بعد اقتصادی (سن، ۱۹۹۹) با تأمین معیشت و استقلال مالی، زمینه عینی و ملموس مشارکت کامل مهاجران را مهیا ساخته و وابستگی را به خوداتکایی تبدیل می‌کند. این سه بعد در کنار هم، نه تنها شرط لازم برای تحقق ادغام واقعی (پنینکس، ۲۰۱۹) هستند، بلکه با ایجاد شبکه‌های منعطف و منابع متنوع، تاب‌آوری اجتماعی (آدگر، ۲۰۰۰) کل جامعه را در برابر بحران‌ها تقویت می‌کنند (Cheung & Phillimore, 2021).

۲-۸- ابعاد و راهبردهای توانمندسازی مهاجران

توانمندسازی مهاجران یک هدف واحد نیست، بلکه یک راهبرد چندوجهی است که باید به صورت همزمان و هماهنگ در ابعاد مختلف پیگیری شود. (Kanas, & Steinmetz, 2022). راهبردهای کلیدی در هر بعد به شرح زیر است:

۲-۸-۱- بعد اقتصادی

توانمندسازی اقتصادی، اساس استقلال و کرامت انسانی مهاجران است.

راهبردها:

دسترسی به بازار کار: ایجاد دفاتر کاریابی تخصصی، برگزاری کارگاه‌های تدوین رزومه و آمادگی برای مصاحبه، و تسهیل روند به رسمیت شناختن مدارک و مهارت‌های قبلی مهاجران.

حمایت از کارآفرینی: ارائه آموزش‌های کسب‌وکار، مشاوره رایگان، و ایجاد صندوق‌های اعتبارات خرد با شروط ساده برای راهاندازی کسب‌وکارهای کوچک.

امنیت شغلی: گسترش پوشش قوانین کار به مشاغل پراکنده مهاجران و مبارزه با بهره‌کشی اقتصادی.

مالی‌سازی: آموزش مدیریت مالی شخصی و تسهیل دسترسی به خدمات بانکی رسمی.

۲-۸-۲- بعد اجتماعی-فرهنگی

این بعد به ایجاد حس تعلق و شهروندی فعال در مهاجران و پذیرش تنوع توسط جامعه میزبان می‌پردازد.

راهبردها:

آموزش زبان: ارائه دوره‌های آموزشی زبان جامعه میزبان به صورت رایگان یا کم‌هزینه، که کلید دسترسی به همه عرصه‌های دیگر است.

تقویت دیالوگ بین‌فرهنگی: برگزاری جشنواره‌های فرهنگی مشترک، برنامه‌های ورزشی و اردوهای جمعی برای شکستن قالب‌های ذهنی و ایجاد دوستی.

مبارزه با تبعیض: اجرای کمپین‌های آگاهی‌بخش در رسانه‌ها، تصویب و اجرای قوانین سختگیرانه ضد تبعیض، و ایجاد نهادهای میانجی برای حل اختلافات.

حمایت از نهادهای جامعه مدنی مهاجران: تقویت انجمن‌ها و تشکل‌های خودجوش مهاجران به عنوان پل ارتباطی با نهادهای رسمی و قانونی برای حمایت‌های هم‌پیران.

۲-۸-۳- بعد سیاسی-حقوقی

توانمندسازی در این بعد، مهاجران را از «ابژه» منفعل قوانین به «سوز» فعالی که از حقوق خود آگاه و قادر به دفاع از آن است، تبدیل می‌کند.

راهبردها:

آموزش حقوق شهروندی: برگزاری کارگاه‌های آموزشی در مورد حقوق اساسی، قوانین کار، مسکن و تعهدات در جامعه میزبان. دسترسی به عدالت: تأمین وکیل معاضدتی و مشاوره حقوقی رایگان برای مهاجران کم‌درآمد.

ایجاد مسیرهایی برای مشارکت مدنی: فراهم کردن بستری برای مشارکت مهاجران در امور محله، شوراهای شهری و حتی اعطای حق رای در انتخابات محلی پس از گذشت مدت معینی.

شفاف‌سازی قوانین: انتشار قوانین مربوط به مهاجران به زبان‌های مختلف و به صورت ساده‌شده.

با اجرای هماهنگ این راهبردها در سه بعد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی-حقوقی، می‌توان چرخه معیوب حاشیه‌نشینی و انزوا را شکست و به سمت جامعه‌ای منسجم، عادلانه و تاب‌آور حرکت کرد.

۳-برساخت ادغام و تاب‌آوری اجتماعی

ادغام موفقیت‌آمیز مهاجران به عنوان یک سرمایه‌گذاری استراتژیک برای تقویت تاب‌آوری اجتماعی جامعه محسوب می‌شود. زمانی که فرآیند ادغام به صورت دوسویه و مبتنی بر توانمندسازی محقق گردد، منجر به ایجاد سرمایه اجتماعی پل‌زننده، شبکه‌های اعتماد و همبستگی اجتماعی می‌شود که همگی از ارکان کلیدی تاب‌آوری اجتماعی به شمار می‌روند (Adger, W., 2000).

بر این اساس، جامعه‌ای که از تنوع فرهنگی به عنوان یک دارایی بهره می‌برد، در مواجهه با بحران‌هایی چون شوک‌های اقتصادی، فشارهای جمعیتی یا تنش‌های اجتماعی، از ظرفیت تطبیقی بالاتری برخوردار است چنین جامعه‌ای با بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی متراکم‌تر، مهارت‌های متنوع و خلاقیت ناشی از تعامل فرهنگی، نه تنها بهتر می‌تواند در برابر اختلالات مقاومت کند، بلکه قادر است از این چالش‌ها برای یادگیری و تقویت ساختارهای اجتماعی خود بهره بگیرد؛ بنابراین ادغام واقعی، تاب‌آوری را نه از طریق یکسان‌سازی، بلکه از طریق ایجاد انسجام در عین تنوع تقویت می‌کند (Berkes, F., & Ross, H., 2013).

۴-روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی-توسعه‌ای و از نظر روش، کیفی از نوع تحلیل محتوای کیفی با رویکرد مرور نظام‌مند منابع است. روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و با تمرکز بر تحلیل و ترکیب مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های معتبر در حوزه مهاجرت و توانمندسازی طراحی شده است. این مطالعه فاقد مرحله میدانی و گردآوری داده‌های اولیه است.

جامعه پژوهشی

جامعه آماری این تحقیق را کلیه اسناد، مقالات و منابع معتبر علمی (شامل کتب تخصصی، مقالات پژوهشی چاپ شده در مجلات معتبر داخلی و بین‌المللی، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه مهاجرت و سیاست‌گذاری‌های کلان مرتبط) تشکیل می‌دهد.

روش نمونه‌گیری و گردآوری داده‌ها

انتخاب منابع به روش هدفمند و با اعمال معیارهای شمول و طرد نظام‌مند (از جمله انتشار در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴، مرتبط بودن با مفاهیم محوری پژوهش و دسترسی به متن کامل) انجام شد. در نهایت ۸۷ منبع برای تحلیل نهایی انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری نظام‌مند از منابع و استفاده از برگه‌های تحلیل محتوا بود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های متنی با به کارگیری روش تحلیل مضمون و تفسیر نظری در چارچوب مفاهیم بنیادین نظریه سرمایه اجتماعی پوتنام، کنش ارتباطی هابرماس و توانمندسازی اسکاچپول مورد بررسی قرار گرفتند. فرآیند تحلیل در سه مرحله کدگذاری باز (استخراج مفاهیم اولیه)، کدگذاری محوری (سازماندهی مفاهیم در قالب ابعاد سه‌گانه توانمندسازی) و کدگذاری گزینشی (یکپارچه‌سازی و استنتاج نهایی) انجام شد.

۵- یافته‌های تحقیق

یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که توانمندسازی به مثابه راهبردی کلیدی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد ادغام پایدار مهاجران و جوامع میزبان ایفا می‌نماید. تحلیل داده‌ها در چارچوب نظریه توانمندسازی اسکاچپول و مدل ادغام چندبعدی پنینکس نشان می‌دهد که:

ماهیت دوسویه فرآیند ادغام

ادغام موفق نه یک فرآیند خطی، بلکه یک پویای تعاملی و دیالکتیکی است. رویکردهای سنتی مبتنی بر جذب و انطباق یک‌سویه، با غفلت از "عاملیت مهاجران" و "ظرفیت‌سازی نهادی در جامعه میزبان"، در درازمدت به انزوای اجتماعی، تشدید شکاف‌های قومی و ائتلاف سرمایه‌های انسانی می‌انجامد.

ساختار سه‌بعدی پارادایم توانمندسازی

این پارادایم با ارائه چارچوبی نظام‌مند در سه سطح به بازتعریف روابط مهاجران و جامعه میزبان می‌پردازد: بعد خرد (فردی): تقویت خودکارآمدی، سرمایه انسانی و مهارت‌های سازگاری از طریق آموزش زبان، توانمندسازی شغلی و فرهنگ‌پذیری فعال.

بعد میانی (نهادی): تضمین دسترسی عادلانه به خدمات پایه (سلامت، مسکن، آموزش) و ایجاد سازوکارهای حمایت حقوقی. بعد کلان (تعاملی): تسهیل کنش متقابل اجتماعی بر اساس اصول کنش ارتباطی هابرماس و تقویت سرمایه اجتماعی پل‌زننده.

تغییر پارادایم از "مسئله" به "فرصت"

در این چارچوب، گفتمان مسلط مهاجرت از انگاره «تهدید/بار» به «مشارکت/سرمایه» تحول می‌یابد. مهاجر به عنوان کنشگری فعال و حامل سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی بازتعریف می‌شود که می‌تواند به غنای جامعه میزبان بینجامد.

پیامدهای کلان

دست‌آورد نهایی این فرآیند، شکل‌گیری "فضای مشترک اجتماعی" است که در آن:

تعلقات‌های چندلایه و هویت‌های تلفیقی صورت‌بندی می‌شوند.

سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد تعمیق‌یافته تقویت می‌گردد.

- گفتمان "ما"ی فراگیر جایگزین دوگانه‌سازی "خودی-غیرخودی" می‌شود.

این یافته‌ها مؤید آن است که توانمندسازی نه تنها راهبرد کلیدی ادغام موفق، بلکه پیش‌نیاز ضروری برای تحقق تاب‌آوری اجتماعی در جوامع چندفرهنگی معاصر است.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با تبیین چارچوب نظری ترکیبی مبتنی بر سه گانه توانمندسازی، ادغام و تاب‌آوری، به واکاوی فرآیند تحول "رویاری" به "فرصت" در زمینه مهاجرت پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که توانمندسازی به عنوان موتور محرکه این تحول، تنها در صورت تحقق همزمان در سه سطح فردی، نهادی و اجتماعی قادر به ایجاد ادغام پایدار خواهد بود.

در کانون این تحول، نقش سرمایه اجتماعی پل‌زننده (پوتنام) به عنوان پل ارتباطی بین شبکه‌های اجتماعی مهاجران و جامعه میزبان، و کنش ارتباطی (هابرماس) به عنوان بستر گفت‌وگوی مبتنی بر فهم متقابل، تعیین‌کننده شناسایی شده است. این دو مکانیسم، گذار از هم‌جواری فیزیکی به هم‌کنشی فعال و تعامل سازنده را ممکن می‌سازند؛ به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی پل‌زننده بستر ساختاری لازم را فراهم می‌آورد، حال آنکه کنش ارتباطی، فرآیند تعاملی محقق‌کننده این گذار است.

نکته حائز اهمیت در یافته‌های این پژوهش، تاکید بر ماهیت دیالکتیکی فرآیند توانمندسازی است؛ به گونه‌ای که توانمندسازی مهاجران و جامعه میزبان نه دو مسیر موازی، بلکه دو روی یک سکه و لازم و ملزوم یکدیگرند. جامعه میزبان با توسعه ظرفیت‌های نهادی، انعطاف‌پذیری فرهنگی و تاب‌آوری اجتماعی، زمینه را برای ادغام موفق مهاجران فراهم می‌سازد، و در مقابل، مهاجران توانمندشده با مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف، به غنای اقتصادی و فرهنگی جامعه میزبان می‌افزایند.

در نتیجه، می‌توان ادعا کرد که توانمندسازی مهاجران و جوامع میزبان در جهان به هم پیوسته کنونی، نه یک انتخاب سیاسی، بلکه یک ضرورت راهبردی برای نیل به توسعه پایدار و تاب‌آوری اجتماعی است. سرمایه‌گذاری در این مسیر، در حقیقت سرمایه‌گذاری بر ساختن آینده‌ای امن، مرفه و صلح‌آمیز برای همه اعضای جامعه است.

پیشنهاد‌های سیاستی

- تدوین برنامه‌های توانمندسازی یکپارچه در سطوح خرد، میانی و کلان؛
- ایجاد نهادهای میانجی برای تقویت سرمایه اجتماعی پل‌زننده؛
- توسعه فضاهای عمومی به عنوان عرصه‌های کنش ارتباطی؛
- طراحی سیستم‌های نظارتی برای پایش فرآیند ادغام در ابعاد چهارگانه؛

جهت‌گیری برای پژوهش‌های آتی

- واکاوی تجربی رابطه بین سطوح مختلف توانمندسازی و اشکال گوناگون سرمایه اجتماعی؛
- مطالعه تطبیقی کارایی مدل‌های مختلف سیاست‌گذاری در زمینه ادغام مهاجران؛
- بررسی نقش فناوری‌های دیجیتال در تسهیل کنش ارتباطی و تقویت سرمایه اجتماعی پل‌زننده؛

منابع

۱. احمدی، س.، و همکاران. (۱۴۰۱). تحلیل نقش سرمایه اجتماعی در توانمندسازی اقتصادی مهاجران افغانستانی در شهر تهران. فصلنامه مطالعات ملی.
۲. پوراحمد، ا.، و رضایی، م. (۱۴۰۰). سنجش سطح تاب‌آوری اجتماعی در بافت‌های مهاجرنشین شهری (مطالعه موردی: شهر مشهد). فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی.
۳. حاجی‌پور، خ.، و صفاری، ا. (۱۴۰۲). تدوین راهبردهای توانمندسازی اجتماعی مهاجران با رویکرد شهرهای تاب‌آور. نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری.
۴. راستی، ا.، و سجاسی، م. (۱۳۹۹). تحلیل موانع ادغام اجتماعی مهاجران افغانستانی در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران.
۵. زنجان، ح.، و دیگران. (۱۴۰۱). سیاست‌های مهاجرتی ایران: از پذیرش تا ادغام. مرکز تحقیقات مهاجرت ایران.
۶. سعیدی، ع.، و شاه‌حسینی، ف. (۱۴۰۰). بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی روانی-اجتماعی زنان مهاجر افغانستانی. فصلنامه علمی رفاه اجتماعی.
۷. طاهری، ز.، و کریمی، ج. (۱۴۰۲). واکاوی نقش آموزش در توانمندسازی نسل دوم مهاجران (مطالعه موردی: دانش‌آموزان افغانستانی). فصلنامه مطالعات آموزش و پرورش.
۸. عبداله‌زاده، م.، و میرزایی، ر. (۱۴۰۱). ارزیابی پیامدهای سیاست‌های آموزشی جدید بر ادغام اجتماعی مهاجران. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران.
۹. قاسمی، و.، و علی‌پور، پ. (۱۴۰۳). طراحی مدل توانمندسازی یکپارچه مهاجران و جامعه میزبان با تأکید بر کنش متقابل. دوفصلنامه مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان.
۱۰. کردزاعری، ا.، و چابکی، ا. (۱۴۰۲). تبیین جامعه‌شناختی کنش متقابل بین مهاجران و جامعه میزبان در کلانشهر تهران. مجله مطالعات اجتماعی ایران.
۱۱. نوروزی، م.، و یوسفی، ع. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی سیاست‌های ادغام مهاجران در ایران و ترکیه. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی.

12. Adger, W. N. (2000). Social and ecological resilience: are they related?

13. Ager, A., & Strang, A. (2020). Refugee Integration: Insights and Innovations from Recent Research. *Journal of Refugee Studies*.

14. Berkes, F., & Ross, H. (2013). Community Resilience: Toward an Integrated Approach.
15. Cheung, S. Y., & Phillimore, J. (2021). Social Networks, Social Capital and Refugee Integration. *Ethnic and Racial Studies*.
16. Fiddian-Qasmiyeh, E., & Daley, P. (Eds.). (2023). *The Routledge Handbook of South-South Migration and Development*. Routledge.
17. Hainmueller, J., et al. (2023). Improving Refugee Integration Through Digital Livelihoods and Remote Work. *Science*.
18. Kanas, A., & Steinmetz, S. (2022). Economic Integration of Immigrants: The Role of Host Society Attitudes. *International Migration Review*.
19. Keck, M., & Sakdapolrak, P. (2013). What is Social Resilience? Lessons Learned and Ways Forward.
20. OECD. (2023). *Indicators of Immigrant Integration 2023*. OECD Publishing.
21. Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*.
22. Penninx, R. (2019). *Mainstreaming Integration Governance*.
23. UNHCR. (2024). *Global Compact on Refugees: Indicators of Progress*. United Nations.
24. United Nations Department of Economic and Social Affairs (2020). *International Migration Report*.
25. Vertovec, S. (2020). The Social Organization of Difference. *Ethnic and Racial Studies*.

Empowering migrants and host communities: a strategy for sustainable integration and social interaction

Amin Ebrahimi Dehkordi*¹, Fatemeh Aghapour ²

¹Assistant Professor, Department of Urban Planning, Maziar University, Royan, Mazandaran, Iran.

²Master of Urban Planning, University Lecturer, Maziar University, Royan, Mazandaran, Iran.

Abstract

Migration, as an inevitable phenomenon in the contemporary world, has created numerous challenges for migrants and host communities. Migrants often face issues such as marginalization, discrimination, cultural gaps, and limited access to resources, while host communities also face pressure on infrastructure, social tensions, and identity challenges. Focusing on the empowerment strategy as the most central approach to facing these challenges, this article examines the various dimensions of empowerment of migrants and host communities and its role in strengthening integration and social interaction. The present article analyzes the three dimensions of empowerment using a qualitative research method and relying on rich theoretical foundations including Putnam's social capital theory, Habermas's communicative action theory, and Scotchpool's empowerment framework. In the individual dimension, empowerment focuses on strengthening migrants' self-efficacy, self-esteem, and personal skills. In the social dimension, emphasis is placed on creating bridging social capital and strengthening communication networks between migrants and the host society. In the economic dimension, attention is paid to access to job opportunities, financial resources, and the labor market. The findings of this study show that empowerment is a two-way process that involves both migrants and the host society. On the one hand, empowering migrants increases their participation in various social, economic, and cultural fields, and on the other hand, empowering the host society creates an atmosphere of acceptance and mutual understanding. This two-way process provides the necessary platform for successful integration and social interaction. As a result, empowerment not only improves the living conditions of migrants, but also strengthens social resilience, community cohesion, and creates a constructive interactive space between all members of society. By providing practical solutions at the micro, meso, and macro levels, this article provides a model for policymaking in the field of migration management and strengthening peaceful coexistence.

Keywords: Community empowerment, migrants, host communities, social integration, interaction, social resilience.
